

ورده تا توبه نامه تلو

گفت و گو

تشر

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۹

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۵۵

شما بازپرس رسیدگی به پرونده امیر حسین مقصودلو معروف به تلو بودید، کمی از این پرونده بگویید.

این پرونده ابعاد مختلفی داشت که من به آن رسیدگی کردم و بعد با توجه به اتهاماتی که در پرونده اش داشت برای محاکمه و صدور رأی به دادگاه ارسال شد. وقتی در جلسات تحقیقات با او حرف می زدیم برایم تعریف کرد که از بلاتکلیفی و ماندن در ترکیه خسته شده و از طرفی دلتنگ خانواده اش

بود که در ایران زندگی می کردند. همین باعث شده بود که بخواهد با میل خود به ایران بازگردد. نزد پلیس ترکیه رفته و از آنها خواسته بود او را اخراج کنند تا به ایران برگردد. حتی توبه نامه نوشته و پشیمان از اعمال و رفتارش بود. می گفت دوست دارد بعد از پایان مجازات قانونی اش و آزادی از زندان مثل خیلی از جوان های دیگر ازدواج کند، تشکیل خانواده بدهد، فرزندی بیاورد و پدر شود. علاوه بر آن موسیقی را به درستی پیش ببرد.

بازپرس جنایی بودن سخته یا بازپرس امنیت؟

خوب هرکدام در فضا و جایگاه خود فراز و نشیب های خاص خود را دارد. من به هر دو علاقه دارم البته به بازپرس امنیت بودن بیشتر؛ چرا که شما با رسیدگی به یک پرونده یک تاثیر بزرگ در جامعه می گذاری و احساس رضایت و امنیت را برای مردم فراهم می کنی که این امنیت می تواند در سطح کلان کشور باشد.

تا به حال شده متهمی داشته باشید که بیرون دادسرا او را ببینید؟

فقط یک مورد بود. زمانی که در دادسرای جنایی تهران بودم متهمی داشتم که مرتبط با پرونده آدم ربایی بود. با وثیقه تا روز دادگاه آزاد شده بود که به طور اتفاقی او مرا در خیابان دید. جلو آمد و احوالپرسی کرد که من هم با او احوالپرسی کردم؛ مثل یک شهروند و رفت.

پیش آمده در روزی که کشیک قتل بودید، چند صحنه قتل در یک روز بروید؟

یک روز ۱۰ صبح کشیک قتل بودم که ماموری به من زنگ زد که جسد مردی در بوستان ولایت کشف شده است. به آن محل رفته و با بررسی صحنه رد پای برادرش را در قتل پیدا کرده، دستور بازداشتش را دادم. درگیر این پرونده بودم که یک ساعت بعد وقوع قتل دیگری به من اطلاع داده شد. در حال تحقیق در محل قتل دوم بودم که دوباره قتل فرد دیگری گزارش شد. ساعت پنج صبح روز بعد به خانه بازگشتم.

شده تلاش کرده باشید برای قاتلی رضایت بگیرید؟

بله در سه پرونده. در یک پرونده زنی در تعقیب سارق تلفن همراهش با ماشین به او زده و باعث مرگش شده بود. در پرونده دوم، دوزن که با هم دوست بودند به خاطر یک اختلاف با هم درگیر شده و یکی، دیگری را کشته بود. سومین پرونده هم مربوط به دعوی مرگبار دو دستفروش بود. بعد از صحبت با اولیای دم مقتولان توانستم رضایت آنها را قبل از ارسال پرونده به دادگاه جلب کنم.

بررسی صحنه های قتل سخت تر است یا خودکشی؟

به نظرم صحنه های خودکشی، چرا که برخی مواقع؛ فردی که خودکشی کرده انگیزه مشخصی برای این کار ندارد و باورش برای خانواده ها سخت می شود. بازپرس در خودکشی همه ادله ها را بررسی می کند و وقتی متوجه می شود مرگ فرد خودکشی است، آن را اعلام می کند. به طور مثال مردی کارخانه دار یک روز از خانه اش بیرون آمد و بعد از ظهر برای ورزش به بوستانی در نزدیکی خانه شان در تهران رفته بود اما چند ساعت بعد جسد حلق آویز شده او در بوستان پیدا شد. طناب دور گردنش بالا رونده نبود و انگیزه ای هم برای خودکشی نداشت. مرگ او مشکوک بود به همین خاطر دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی را صادر کردم. بعد از مدتی پزشکی قانونی نظر داد که او خودکشی کرده و قتلی در کار نیست. در یک پرونده هم در کیان شهر تهران، کشف جسد زنی را به پلیس گزارش کردند. وقتی سر صحنه رفتیم، دیدم مرگ او با شلیک گلوله رخ داده است. شوهرش می گفت در خانه نبوده و او خودکشی کرده است. از خانواده متوفی درباره شرایط و زندگی او تحقیق کردیم که معلوم شد او انگیزه برای خودکشی نداشته، او راست دست بود اما جهت شلیک از چپ به راست بود. انگار فرد شلیک کننده چپ دست بوده. فرد اگر قصد خودکشی داشت باید به سر خود شلیک می کرد نه به سینه. این زن برای خودکشی لازم نبود از متکا به عنوان صدا خفه کن استفاده کند. درحالی که متکایی در کنار جسد بود که برای صدا خفه کن از آن استفاده شده بود. با این سرنخ ها شوهر او به عنوان متهم به قتل بازداشت شد و پرونده به دادگاه رفت.

چقدر احساسات در کارتان دخیل است؟

چون در مقطعی روان شناس خانواده بودم همین باعث شده که از طریق کنترل احساساتم بتوانم تصمیم های درست بگیرم. مثلاً در همان پرونده قتل مرد میانسال که دختر ۲۲ ساله اش او را کشته بود. این دختر مدعی بود فردی از بیرون آمده و او را کشته است. مدام داستان سازی می کرد. موقع تحقیقات به چشمانم نگاه نمی کرد و مدام دروغ می گفت. همین حسم به کمک آمد که او دروغ می گوید و خودش می تواند قاتل باشد که بعد از تحقیقات جامع او سرانجام به قتل پدرش اعتراف کرد.